

# به نام خدا

املاي موريانه اي

کتاب فارسي پايه سوم

تهيه کنندگان: طاهره نجفي

مصطفي صف آرا

سال تحصيلي: ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱

به نام خدا

املاي مورياته اي نام و نام خانوادگي: .....  
درس ۱ فارسي پايه سوم دبستان: .....  
تاريخ: ..... آموزگار: .....

دانش آموزان عزيزم متاسفانه مورياته ها بعضي از حروف كلمات درس محله ي ما را

خورده اند. باهوش هاي من، حروف را داخل نقطه چين ها بنويسيد.

تابس.....ان بود. ا.....ميد با خانواده ا..... تازه به اين م.....له آمده بود. او در .....لاس سوم .....بت  
نام کرده بود و .....نوز به محله ي .....ديد، .....ادت نکرده بود. ام.....يد از اين.....ه هيچ .....ستي  
در آنجا ندا.....ت، نار.....ت بود و در .....وشه اي نشسته بود و فکر مي .....رد.

اميد .....مراه پدرش از خانه .....ارج شد. او با د.....ت به ا.....راف نگا..... مي کرد. بوي نا.....  
تاز..... م..... آمد. چند نفری در .....ف نانو.....يي ا.....ستاده ب.....ودند. اميد و .....درش، کمی  
.....لوتر به با.....ار.....ه رسيدند. بازار.....ه ت.....داد ز.....ادی م.....ازه و د.....ان کوچک و  
ب.....رگ داشت. ب.....ضي از آنها لبا..... و کي..... و .....فش مي .....روخ.....ند و بعض.....  
ديگر، کتاب و د.....تر.

گ.....بد فيروزه اي و .....لدس.....ه هاي بلند آن، ع.....متي داشت. در سوي د.....گر، بوستان  
سرسب..... و ب.....رگي بود. اميد و .....درش وارد بو.....تان شدند. ب.....ستان ف.....اي سرسبز و  
زيبا.....ي داشت. در اند.....هاي آن، زمين فوتبالي ديد..... مي شد و .....معيت زيادي در آنجا بودند.  
با شنيد..... اين حرف، اميد خا.....رات محله ..... قبلي خود را به .....اد آورد. آن.....ا اميد  
در.....ازه .....ان تيم بود و وقتي در.....ن دروازه مي ايس.....اد، خيال همه را.....ت بود كه .....ل  
نمي خ.....ردند. ا.....ساس کرد دل..... براي دوستان..... تن..... شده ا.....ت.

آن ر.....زه، اميد درون در.....ازه ايستاد و بسيار خو..... بازی کرد. حالا ديگ.....، بچه هاي  
مح.....ه، اميد را م.....شنا.....ند و با ا..... دوس..... هستند.

باز خورد آموزگار:

خيلي خوب ☆ خوب ☆ قابل قبول ☆ نیاز به تلاش بيشتر ☆

به نام خدا

تاریخ: .....

درس ۲ فارسی پایه سوم

املاي موريانه اي

آموزگار: .....

دبستان: .....

نام و نام خانوادگی: .....

**دانش آموزان عزیزم** متاسفانه موریانه ها بعضی از حروف کلمات درس **زنگ ورزش** را خورده

اند. شما باهوش های من حروف را داخل نقطه چین ها بنویسید.

آن روز ..... و بارانی بود. .... ااران ..... اییزی که از شب گ.....شته آغاز شده بود، .....مچنان نرم  
.....رمک می بارید. س.....س در ادام..... گفت: «ب.....ه ها، می دانید که ورزش برای  
سلامتی، م.....ید است. بهتر است .....مه ی ما، هر روز بر.....امه ای برای .....رزش کردن  
دا.....ته باشیم. اگر ور.....ی را با ن.....م و تر.....یب و .....یوسته انجام دهیم، می توانیم به  
خ.....بی در آن رشت.....، پیشر.....ت کنیم. برای ورزش..... کردن به .....ورت .....رفه ای،  
اول ر.....ته ی ورزشی مورد .....لاقه ی خود را اند.....خاب کنید، .....پس در آن رشته،  
آمو.....ش ببینید و ت.....رین کند.

فردای آن رو..... با دوس.....م به اس.....خر رفتیم. جلوی در، ن.....شته ای ن.....رم را جلب  
کرد: «به فر.....ندان خ.....د شنا بیاموزید.» وارد شدیم. کف..... ها و لب..... هایمان را در  
م.....ل مخ.....وص گ.....اشتیم. د.....ش گرفتیم و .....ارد سالن ا.....لی شدیم. دوستم برای  
شنا رفت؛ اما من مد.....ی به .....نب و جوش ب.....ه ها در استخر ن.....اه کردم؛ ب.....ضی از  
آن ها بسیار ما.....رانه شن..... می کردند.

به .....رف مربی شنا که کنار اس.....خر ایس.....تاده بود، رفتم. پس از .....حبت های مر.....ی  
شنا، در دوره ی آموزشی، نا.....نوی.....ی کردم. در .....ول مد.....تمرین، بارها .....یر آب م.....  
رفتم، دس..... و پایم خ.....ته می شد؛ اما ب.....د از آن س.....تی ها، نتیجه ی خ.....بی گرفتم  
و .....الا شناگر ما.....ری هس.....م. فردا مساب.....ات شنای دانش .....موزی برگ.....ار می شود  
و من برا..... بدست آ.....ردن به.....رین ر.....به، .....لاش خ.....اهم کرد.

**باز خورد آموزگار:** .....



نیاز به تلاش بیشتر



قابل قبول



خوب



خیلی خوب

به نام خدا

تاریخ: .....

درس ۳ فارسی پایه سوم

املاي مورياته اى

آموزگار: .....

دبستان: .....

نام و نام خانوادگی: .....

**دانش آموزان عزیزم** متاسفانه مورياته ها بعضى از حروف کلمات درس آسمان آبی و طبیعت

پاک را خورده اند. باهوش های من، حروف را داخل نقطه چین ها بنویسید.

هفده گشته، دان..... آموزان کلاس سوم، همرا..... آموز..... ار خود، برای ..... ردش  
..... لمی به دامنه ی کوهی رفتند. م..... لم دانش آم..... زن را به ..... ند گرو.....، ت..... سیم  
کرد. او از آنها ..... واست خوب به ..... راف نگاه کنند و ..... رچه را می ب..... نند و می  
شنو.....، یا..... داش..... کن..... و با ..... م فکر..... یک دی.....، ر، به ..... ورت گر..... هی،  
گ..... ارشی بنوی..... ند.

تمام ..... یوانات، ..... راف لانه خ..... د را تمیز می کنند تا در م..... ی..... ی سالم  
زند..... ی کنند. انسان هم ..... ادت دارد محی..... زندگی خود را پاک..... ه نگه دارد؛  
اما ب..... ضی از مردم، فق..... خانه ی خود را ..... میز می ک..... ند و هرچه آش..... ال و  
زبا..... ه دارند، در کو..... ه و خ..... ابان و ج..... ی آب می ریزند. این کار، باع.....  
آلودگی ش..... ر و ب..... ماری دی..... ران می شود. ما انسان ها ..... لاهه بر ..... انه، باید  
مح..... ه و شه..... خود را هم ..... اکیزه نگ..... داریم.

ما باید ..... بیعت را دوست داش..... ه باشیم. آن روز در ..... بح دلپ..... یر ب..... اری، راه  
افتادیم. ب..... د از دو ..... اعت، به دامن..... ی کوه رسید..... م. تماشای ق..... ه، چ..... در  
ل..... ت بخش بود! آسمان آبی و ..... و بسیار پاکیزه و تم..... ز بود. بوی پونه های  
و..... شی و ..... دای دلنشین چ..... مه ای که در دامن..... ی ..... وه، روان بود، ما را ..... رق  
شادی و نشا..... کرد. خان..... اده هایی هم که به ..... وه آمد..... بودند؛ شاد بودند.

**باز خورد آموزگار:** .....



نیاز به تلاش بیشتر



قابل قبول



خوب



خیلی خوب

به نام خدا

تاریخ: .....

درس ۴ فارسی پایه سوم

املاي موريانه اي

آموزگار: .....

دبستان: .....

نام و نام خانوادگی: .....

**دانش آموزان عزیزم** متأسفانه موریانه ها بعضی از حروف کلمات درس **بلدرچین و برزگر** را

خورده اند. باهوش های من، حروف را داخل نقطه چین ها بنویسید.

همین که .... ننگ خورد، دان.... آموزان با ن....م به سم.... کلاس ها ....رکت کردند. بچ....  
های کلاس س....م، منت....ر مربی بهدا....ت بودند؛ یک رو....نامه دیوار.... به مناسبت  
«هف....ه ....لامت» آماده کنند.

در این ل....ظه، ....دای سبزی فرو.... م....له در کلاس ...یچید و صدا.... خند.... ی بچه ....ا  
بلند شد. زهرا، نماینده ی گروه .... «تلاش»، که به خ....اندن ....تاب های ....لمی ....لاقه  
داشت، گفت: «به ن....ر من، به....رین مو....وع روزنام.... دیواری «آلود....ی ....وتی»  
است.»

خانم مربی گفت: «ا....رچه ممکن است، شما به سرو....دا ....ادت کرده با....ید؛ اما ....لودگی  
صو....ی با....ث خست....گی می شود و د....ت شما را برای درس ....واندن و ....وش دادن  
به س....ن دیگران کم می ....ند. ....الا در مورد انوا.... آلود....ی صو....ی ف....ر کنید و  
ب....د از ب....ث در گروه، آ.... ها را نام ب....رید. الب....ه خ....دتان هم موا....ب آ....ودگی  
....وتی باشید.»

در این ....نگام، ....نجشکی بر لبه ی پن....ره ی کلاس نشست و شرو.... به ....یک  
ج....ک کرد. بچ.... ها بسیار خوش....ال شدند و ....فتند: «به....ه! چه صدای ....شنگ  
و ....وش نوا....ی!»

گن....شک پرید و ب....ه ها با ن....اهشان ....رواز را دن....ال کردند.

**باز خورد آموزگار:**



نیاز به تلاش بیشتر



قابل قبول



خوب



خیلی خوب

به نام خدا

تاریخ: .....

درس ۵ فارسی پایه سوم

املاي مورياته اى

آموزگار: .....

دبستان: .....

نام و نام خانوادگی: .....

**دانش آموزان عزیزم** متاسفانه مورياته ها بعضى از حروف کلمات درس **بلدرچين و برزگر** را

خورده اند. شما باهوش هاى من حروف را داخل نقطه چين ها بنويسيد.

دو ب.....در.....ين با جو.....ه ها... خود در ک.....ت.....ارى زند.....ى مى کردند. روزها به

د.....بال غ.....ا به .....حرا مى رفتند و شب ها به .....انه ى خود بر مى .....شتند.

.....کى از جوجه ها با ن.....رانى گفت: «اگر فردا اين .....شتزار در..... نکند چه کنيم؟»

مادر جوج..... ها گفت: «نترس! .....ردا کسى براى در..... نخ.....اهد آمد و ل.....نه

ى ما .....راب نخواهد شد.» پدر جوجه ها .....فت: «ن.....رسيد! فردا هم ک.....ى نخواهد

آمد و آ.....پانه ى ما، بر ج..... خواهد ماند.»

.....ب سوم، جو.....ه ها گ.....تند: «خ.....يشان بر.....گر هم براى کمک به ا..... ن.....امدند.

امرو..... نيديم که برز.....ر به پسرش مى گف..... که ديگر ن.....ايد به انت.....ار اين و آن

بمان.....م؛ بايد دا..... ها را .....يز کنيم و فردا .....ودمان کشتز.....ر را .....رو کنيم.»

.....در و مادر جوجه ها به .....م ن.....اه کردند و .....فتند: «ديگر، جاي ماندن نيس..... . فردا

لانه ..... ما .....راب مى شود. بايد هر.....ه زودتر به فکر آ.....پانه .... ديگ.....ى با.....يم.»

جوجه ها تع.....ب کرد.....د و از آن ها، دليلش را پرسيدند.

مادر گفت: «تا .....قتى که د.....قان به ام.....د ديد.....ران نشسته بود، براى ما خ.....رى نبود

و ما هم ن.....را..... نبوديم؛ اما وقتى شني.....يم او ت.....ميم گرفته است خ.....دش کار را

ان.....ام دهد؛ فهميديم که اين.....ا ديگر جاي ماند..... ما نيس......»

**باز خورد آموزگار:** ..... «موفق باشيد»



نياز به تلاش بيشتر



قابل قبول



خوب



خيلي خوب

به نام خدا

املاي موريانه اي  
نام و نام خانوادگي: .....  
درس ۶ فارسي پايه سوم  
دبستان: .....  
تاريخ: .....  
آموزگار: .....

**دانش آموزان عزيزم** متاسفانه موريانه ها بعضي از حروف کلمات درس **فداکاران** را خورده اند. شما باهوش هاي من حروف را داخل نقطه چين ها بنويسيد.

همي...ه ان...ان هاي ب...ب...رگ و ...داکاري هستند که براي ن...ات جا... ديب...ران يا ک...ک به هم نو...ان، جان خود را به خ...ر مي اندا...ند؛ به هم...ن سب...ن نام و يا... اين افراد فداکار، در ...هن مردم، ...اودا...ه مي ...اند. از اين ...ونه ا...سان هاي بزرگ و ا...ت...ار آفرين، در ...ر ک...وري، بس...ار هست. در ...شور بز...گ اير...نيز مردان و زنا...، حت... کودکان و نوجوانان فدا...ار، فراوان...د.

س...ام خيام، د...تر دوا...ده ساله اي بود که در ش...ر هوي...ه زندگي مي کرد. او دختری درس ...و...ن و با...وش بود.

م...مد ...سين فه...يد...، نو...وان فداکاري بود که نارنج... به ک...ر بست و در زير ...نجيرهاي ...انک د...من، ...ان خود را ...دا کرد تا از ...يشر...ي آ...ان به سو... خا... ايران جلو...يري کند.

امام ...ميني «ق...س س...ه» فرمود...د: «ر...بر ما آن ...فل دوا...ده سا...ه اي است که با نارن...ک، خود را زير ...انک دشمن اندا...ت.

در ...روب يک ر...ز سرد پاي...زي، و...تي ري...علي خ...اج...ي از مزر...ه به خان... بر م...گشت، م...وجه شد که بر ا...ر ريزش کو...، م...ير حرکت ق...ار، بسته شده است.

وقتي ب...اري کلا...، آتش گرفت و د...دک... آن ا...تاد، دانش آمو...ان در ميان ش...له هاي آتش و ...ود، ...رفتار شدند. اين م...لم شجا... و فدا...ار، جان ...ود را به خ...ر اندا...ت و ...ده اي از دان... آمو...ان را ن...ات داد.

ما به ا...ن انسان ...اي ب...رگ و د...ست داش...ني، ا...ترام مي گ...اريم و مي کوشيم تا از آنها سرمش... بگيريم.

**بازخورد آموزگار:**.....«موفق باشيد»



نياز به تلاش بيشتر



قابل قبول



خوب



خيلي خوب

به نام خدا

تاریخ: .....

درس ۷ فارسی پایه سوم

املاي موريانه اي

آموزگار: .....

دبستان: .....

نام و نام خانوادگی: .....

**دانش آموزان عزیزم** متاسفانه موریانه ها بعضی از حروف کلمات درس **کار نیک** را خورده

اند. شما باهوش های من حروف را داخل نقطه چین ها بنویسید.

در ..... مان های دور، فرمان.....وایی زند.....ی می کرد که خ.....لی دوس..... داشت از حال همه .... مردم، با.....بر باشد. برای ه..... ین، یک روز ت.....میم گرفت به ش.....رهای م.....تلف برود و .....ندگی مردم را از ن.....دیک ب.....یند.

لبا..... م.....مولی پوشید تا کسی او را ن.....ناسد. آن وقت به راه ا.....تاد و رفت و ر.....ت تا به ر.....ستایی رسید. روستا سرسبز و .....ر از در.....تان م.....وه بود.

همان .....ور که در.....ت ها و سبزه ها را نگا..... می کرد، از د.....ر پیرمر.....ی را دید که روی .....مین، کار می کند. ...لوتر رفت. دید پیرمر..... در ...ال کا.....تن گردو است.

فرمانروا م.....تی آن.....! ایستادو کار کردن پیرمرد را ن.....اه کرد. سپس، با تع.....ب، از او پرسید: «از این .....مه کار خ.....ته نمی شوی؟ این کارها، کار جوانان است. ....ازه .....ند سال .....ول می کشد تا درخت .....ردو، بزرگ شود و میو..... بدهد و آن وقت هم که م.....لوم نیست، تو زنده باشی!

جوز، ده سال .....مر می .....واهد که ق.....ی گردد و به .....ار آید

پیرمرد به بی.....ش تک.....ه داد و گفت: «بله، شما در.....ت می گوئید، چند سال .....ول می کشد که این درخ.....ان میوه بدهند و .....اید هم آنان زمان، من .....نده نباشم.»

دی.....ران کا.....تند و ما خ.....ردیم ما .....کاریم و د.....گران ب.....ورند

**باز خورد آموزگار:** ..... «موفق باشید»



نیاز به تلاش بیش



قابل قبول



خوب



خیلی خوب



## به نام خدا

املاي موريانه اي      درس ۸ فارسي پايه سوم      تاريخ: .....

نام و نام خانوادگي: .....      دبستان: .....      آموزگار: .....

**دانش آموزان عزيزم** متاسفانه موريانه ها بعضي از حروف کلمات درس پيراهن بهشتي را خورده اند. شما باهوش هاي من حروف را داخل نقطه چين ها بنويسيد.

ح.....رت فاطمه (.....) پيراهن ساده .....ي به تن داشت. پدر، براي ا.....دوا! او با ح.....رت علي (.....) يك پيراهن نو، به خان..... آورد.

در اين .....نگام .....دای در به .....وش رسيد. حضر..... فاطمه (س) فرمود: «چه ك.....ي در مي زند؟» كسي با صدای .....عيفي گفت: «من زني فقيرم، ل.....اسي ندارم كه به .....ن كنم.»

دل حضرت .....اطمه (س) به د.....د آمد. نگاهش نخست به پيراهن نو و ب.....د به .....راهن ساده اي كه .....وشيده بود، ا.....تاد. .....كر كرد کدام .....ك را بدهد. پيراهن نو براي .....روسي اش بود. ياد كلام .....داوند در قرآن افتاد كه مي .....رمايد: «هرگ..... سعاد.....مند نخ.....اهيد شد مگر چيزي را كه دوس..... داريد به نيازمندان ببخشيد.»

طولي نك.....يد كه جبر.....يل، فر.....ته ي بزر..... خدا به خانه ي حضرت محمد (.....) آمد. خانه، بوي بهشت گرفت. او پيراهن سب..... و زيبا.....ي جلوي حضرت گ.....اشت و گفت: «اي ر.....ول خدا! .....داوند به تو .....لام رساند و به من .....رمان داد كه به ح.....رت فاطمه (.....) سلام بر.....انم و اين لباس سبز .....هشتي را براي او ب.....اورم. وقتي ن.....اه حضرت فاطمه..... (س) به .....باس سبز به.....تي افتاد، اش..... هایش جاري شد.

**بازخورد آموزگار:** ..... «موفق باشيد»

خيلي خوب      خوب      قابل قبول      نياز به تلاش بيشتر

## به نام خدا

املاي موريانه اي  
درس ۹ فارسي پايه سوم  
تاريخ: .....  
نام و نام خانوادگي: .....  
دبستان: .....  
آموزگار: .....

**دانش آموزان عزيزم** متاسفانه موريانه ها بعضي از حروف کلمات درس **بوي نرگس** را خورده اند. شما باهوش هاي من حروف را داخل نقطه چين ها بنويسيد.

صدای باد می ..... ید. باران ..... بر باران ..... های ..... فالی می بارد. پرند .....، آوازی دل ن ..... ین می خواند. بهترین سرود ها و ن ..... مه های طبي ..... ت، ا ..... رافم را پر کرده است.

چ ..... در سخت است که همه ی ..... داها را می شنوم؛ ا ..... صدای تو را نمی ..... نوم!

دریا آب ..... و بی اند ..... هاست. سبز ..... در ..... ت ها زیبا ..... . پره های رن ..... ارن ..... پرندگان، چشم ن ..... از است. کوه ب ..... ند و ا ..... توار است.

..... قدر س ..... ت است که همه ..... یز و همه کس را م ..... بینم؛ اما تو را نمی بی ..... م!

بوی گل، ا ..... رافم را پر کرد ..... است. هرکجا که می روم، ..... وی به ..... رین ع ..... ر ها را حس می کنم. بوی سبزه، بوی نر ..... س، بوی یا .....، ب ..... ی نان بر ..... ته، بوی سی ..... های سرخ و سب .....، بوی ..... اک باران خ ..... رده، بوی ز ..... فران و ری ..... ان ..... .

ای ب ..... ترین ..... دا، ای زیباترین دیدنی، ای خ ..... ش بو ..... رین، ای ..... زیزترین ..... ایب بیا!

تو ..... فتاب و ..... ایی، خدا کند که ..... یایی

فرو ..... دیده ..... مایی، ..... دا کند که ب ..... ایی

**باز خورد آموزگار:** ..... «موفق باشید»



نیاز به تلاش بیشتر



قابل قبول



خوب



خیلی خوب

## به نام خدا

املاي موريانه اي  
درس ۱۰ فارسي پايه سوم  
تاريخ: .....  
نام و نام خانوادگي: .....  
دبستان: .....  
آموزگار: .....

**دانش آموزان عزيزم** متاسفانه موريانه ها بعضي از حروف كلمات درس يار مهربان را خورده اند. شما باهوش هاي من حروف را داخل نقطه چين ها بنويسيد.

اکنون که چند مـ.....هي از دو.....تي ما گذشته است، شما را .....هتر شناخته ام. مي دانم که اغ.....ب شما، مرا .....يلي دوست داريد، چون از همان روز اول، .....باس نو و زيبايي بر .....ن من کرده ايد و خيلي مرا.....ب هستيد تا در با.... و باران نمانم يا بعضي از کود.....ان، به من آسيب..... نرسانند.

از اينکه شما هر روز مرا توي كيف.....ان مي گذاريد و به مد.....سه مي برديد، لذت..... مي برم و از شما ت.....كر مي كنم.

راست..... بهترين وقت براي من، آن لح.....ه اي است که مرا در آغو..... مي گيريد و به قلب.....ان نزديک ميکنيد. در چنان لحظه هايي است که گر.....اي وجود شما را ح..... ميکنم. ضربان .....لب شما، نغمه ي زيبا و ق.....نگي دارد. من با شنيدن ت.....ش قلب کوچولو و م.....ربان شما، از حا.....تان با خبر مي شوم.

حتما تا.....نون پي برده ايد که من هم مانند شما هستم و هميشه يک .....کل نيستم، من فق..... يک .....رف براي گفتن ندارم؛ گاهي براي.....ان ش.....ر مي خوانم، گاهي داستا..... مي گويم و بع.....ي وقت ها هم چيز.....ايي از شما مي پر.....م.

**باز خورد آموزگار:** ..... «موفق باشيد»

خيلي خوب      خوب      قابل قبول      نياز به تلاش بيشتر

## به نام خدا

املاى موريانه اى ..... نام و نام خانوادگى: .....  
درس ۱۱ فارسى پايه سوم ..... دبستان: .....  
تاريخ: ..... آموزگار: .....

**دانش آموزان عزيزم** متاسفانه موريانه ها بعضى از حروف کلمات درس نويسنده ي بزرگ را خورده اند. شما باهوش هاى من حروف را داخل نقطه چين ها بنويسيد.

حالم ..... ايبى را گفتند: «از خود ب... رگ هم... تر در ج... ان ديده اى يا ..... نيده اى؟»

گفت: «بلى؛ يك روز ..... هل شتر، ..... ربانى كرده بودم امرأى ..... رب را؛ و خود به گو... ه ي صحرا، به ..... تى بيرون رفتم. .... اركنى را ديدم، پ..... ته فراهم نهاده.»

گفتم: «به م..... مانى حاتم چرا ..... روى؛ كه خ..... ي بر سما ..... او گرد آمده اند؟»

گفت: «هر كه ..... ان از عم ..... خويش خورد ..... نت حاتم طايى ..... برد»

من اورا به ..... مت و جوان ..... ردى از خود، بر... ديدم.

..... كايى كه خوانديد، از ك... اب «گ... ستان» سعدى است. سعدى ا... ل شيراز بود. او دوران ك... دكى و نوجوانى را در ش... راز گذراند؛ اما پس از آن به ..... سفر رفت تا ..... ه ي بيشترى ياد بگيرد، ا... تا به بغداد رفت و در ..... نجا، تحص... لات خود را ادا... ه داد. بعد به ج... هاى ديگر مان... د سوريه، ل... نان و روم رفت. همچ... ين، براى ز... ارت خانه ي خدا، به م... ه سفر كرد. سرانج... م پس از سى و ..... نچ سال سفر، به شيراز برگ... ست و از خا... راتش، حكا... ت ها و ..... ها نوشت.

**باز خورد آموزگار:** ..... «موفق باشيد»

خيلى خوب      خوب      قابل قبول      نياز به تلاش بيشتر

## به نام خدا

املاي موريانه اي  
نام و نام خانوادگي: .....  
درس ۱۲ فارسي پايه سوم  
دبستان: .....  
تاريخ: .....  
آموزگار: .....

**دانش آموزان عزيزم** متاسفانه موريانه ها بعضي از حروف کلمات درس **ايران عزيز** را خورده اند. شما باهوش هاي من حروف را داخل نقطه چين ها بنويسيد.

آه ايران .... عزيز!	هست نه.....مت، به.....يار
...هرزمين زر.....يز!	توي دريای خ.....ر
تو چه زي.....ا هستي!	يا که در آب خلي.....،
چه فر.....با هستي!	که بود نام دل ....نگيزش
...ارس	
*	نام زيباي مقد.....،
از دو سو بر دريا	که برا.....نده تر از هر نامي
است	
راه خود به.....ز کنی	تا ج.....ان باقي و دري.....
و خليجي باقيست	
س..... به دريا زده اي	*
.....ا به دريا کردی	
توي درياهايت	

**بازخورد آموزگار:** ..... «موفق باشيد»

☆ نیاز به تلاش بیشتر

☆ قابل قبول

☆ خوب

☆ خیلی خوب

## به نام خدا

تاریخ: .....

درس ۱۴ فارسی پایه سوم

املاي مورياته اى

آموزگار: .....

دبستان: .....

نام و نام خانوادگی: .....

### دانش آموزان عزیزم متاسفانه مورياته ها بعضى از حروف کلمات درس ايران آباد را خورده

اند. شما باهوش هاى من حروف را داخل نقطه چين ها بنويسيد.

آن روز، مو.....وع درس ما«م.....هن» بود. ر.....م کلاس ما اين .....ود که هر يك از .....روه هاى دانش آموزان، ابتدا .....سند دقيقه اى درباره ى مو.....وع درس با هم م.....ورت و گفت و .....و مى کردند. ب.....د يك نفر به ن.....ايندگى از .....رف گروه، س.....ن مى گفت، اين بار هم به ش.....ل گرو.....ى به هم ف.....رى و ب.....د درباره ى «م.....ن» پرداختيم.

پس از گفت و گوى گروهى، ن.....ت نماينده گروه«ج.....رافيا» گفت: «به ن.....ر ما، همه ى .....سانى که در منا.....ق مرزى ميهن زندگى مى کنند؛ ن.....هبان اصلى و.....ن هستند. ما مرز ن.....ينان را که اند.....ان هاى پر .....لاش هستند، خيلى دوست..... داريم.»

از ميان گروه«.....اريخ»، يکى بر.....است و گفت:«ما ف.....ر مى کنيم که همه مر.....م، بايد گذشته و .....اريخ ميهن خود را خوب ب.....ناسد؛ از تاريخ، درس هاى زيادى مى توان آمو.....ت.»

نماينده گروه«زبان» گفت: «برخى از ما در منا.....ق م.....لف کشور، به زبان ما.....رى و م.....لى خود .....رف مى زنيم؛ زبان هاى م.....لى، گن.....ينه اى با ار.....ش هستند ولى زبان .....ارسى، زبان م.....ى ما ايران.....ان است و براى ح.....ظ ميهن، بسيار با اه.....يت است.»

باز خورد آموزگار: ..... «موفق باشيد»



نياز به تلاش بيشتر



قابل قبول



خوب



خيلي خوب

## به نام خدا

املاي مورياته اى ..... نام و نام خانوادگى: .....  
درس ۱۵ فارسي پايه سوم دبستان: .....  
تاريخ: ..... آموزگار: .....

**دانش آموزان عزيزم** متاسفانه مورياته ها بعضى از حروف كلمات درس **دريا** را خورده اند.  
شما باهوش هاى من حروف را داخل نقطه چين ها بنويسيد.

مى ك..... د آب، دامن..... را نرم  
بر تن پاك ماسه هاى كب..... د  
مى برد ل..... ت از نواز..... آب  
..... لاحل بى خيال خواب آ..... بود

هر كجا چ..... م مى رود، آب  
اسد.....  
از ا..... ق تا افق، همه دريا..... ت  
آب ، آ..... ينه ايست پ..... ناور  
..... ورت آسم..... ن، در آن پيداىست

مى شوم ... لاد و ميزنم غوطه  
مثل ما..... ي، ميان آب زلا.....  
آسمان دل گ..... ل و دريا را.....  
زندگ..... مهربان و من خو..... حال

خنده ي .... رم و روش..... خورشيد  
برتن س..... د آب مى ريزد  
م..... ج از پش..... موج مى آيد  
موج در پي..... موج مى خي..... د

**باز خورد آموزگار:** ..... «موفق باشيد»



نياز به تلاش بيشتر



قابل قبول



خوب



خيلي خوب

## به نام خدا

املاي مورياته اى  
نام و نام خانوادگى: .....  
درس ۱۶ فارسي پايه سوم  
دبستان: .....  
تاريخ: .....  
آموزگار: .....

**دانش آموزان عزيزم** متاسفانه مورياته ها بعضى از حروف كلمات درس اگر جنگل نباشد را خورده اند. شما باهوش هاى من حروف را داخل نقطه چين ها بنويسيد.

جنگل پهناو... و زيباست. ....دائى آرام نس...م در همه جاى جنگل، .....نيد مى شود.  
گاه نيز .....رش و زوزه ي .....انوران، سكوت جنگل را مى شكند. .

اگر روزى با .....واپيما از بالاي جنگلى بگذرى، فر.....سى سبز، زيبا و گسترد..... مى بينى كه  
گاه .....د ها كيلومتر از ز.....ين را پوشانده است. در اين جنگل ها .....ه مى گذرد؟ نمى  
دانيم. ....لايد پل.....گى بر .....اخه درختى، در كمپ..... نشسته باشد. شايد ميم.....ن هاى  
بازى گوش، بر شاخه ها مش.....ول بازى باشند.

شايد .....يل ها و كرگدن ها مشغول آب تنى در ر.....دخانه اى باشند كه از جن.....ل مى  
گذرد. شايد هم در .....لاشيه جنگل، خانواده هاى سرگرم تفر.....ح و .....ت راحت باشند.

اگ..... جنگل نبود، چه مى شد؟ شايد بگويد م.....لوم است؛ ديگر م.....ز و صند.....ى،  
تخت خواب و ك.....د، در و پنجره، كا.....ذ، خانه هاى جنگلى، قايب..... و كشتى . هزاران  
و.....يله .....وبى ديگر نبود؛ اين ها، بخش..... از فايده هاى جنگل است، اگر جنگل نباشد،  
اكسيب..... ن مورد نيا..... انسان فرا.....م نمى شود و مواد س.....سى هوا از بين نمى رود.

**باز خورد آموزگار:** ..... «موفق باشيد»

خيلى خوب      خوب      قابل قبول      نياز به تلاش بيشتر



## به نام خدا

املاي مورياته اى نام و نام خانوادگى: .....  
درس ۱۷ فارسى پايه سوم دبستان: .....  
تاريخ: ..... آموزگار: .....

**دانش آموزان عزيزم** متاسفانه مورياته ها بعضى از حروف كلمات درس چشم هاى آسمان را خورده اند. شما باهوش هاى من حروف را داخل نقطه چين ها بنويسيد.

شب هاى تا.....ستان، وقتى .....لدارم رخت خ.....اب من و برا.....رم را روى پشت با..... پهن مى كند؛ از .....ماشاي آسمان پرس.....اره، ل.....ت مى برم. م.....مولا آسمان صا..... است و ستاره ها با درخ.....ش زيبايى، آن را آرا.....ته اند. هميشه از خود مى .....رسم، اين نقطه هاى .....ورانى كو.....ك و بزرگ كه از آن بالا به ما چش.....ك مى زنند، چه هستند؟ گاهى به ستاره ها خير..... مى شوم و با .....ل كردن آن ها به هم، شكل هاى جا.....بى مى سازم. آن شب هم م.....ل هميشه، .....رق تماشاي آسمان بودم كه ناگ.....ان ستاره اى كوچك و نورانى د.....تم را گرفت و روى خود ن.....اند و برد. چه پرواز هي.....ان انگيز و جالبى! آسمان چقدر بزرگ و بى ن.....ايت بود!

از ستاره، سرا..... خورشيد را گرفتم. پرسيد.....م آيا او خوابيده است؟

ستاره گفت: «خور.....سيد هرگز نمى خ.....ابد و هميشه مش.....ول نورافشاني است، در هر ش.....انه روز، زمين يك بار د.....ر خود مى .....رخد. در اين چر.....ش، وقتى روب..... روى خورشيد قرار مى گيرد، ر.....ز مى شود و تو خ.....رشيد را مى بينى و مى توانى با او ا.....وال پرسى كنى. خورشيد ستار.....اى است كه ز.....ين، س..... لى يك بار، دور آن مى .....رخد. چهار ف.....ل زيبا، كه هديه خداوند مهربان است، ن.....ت.....جه اين چرخش ع.....يم و با .....كوه است.

**باز خورد آموزگار:** ..... «موفق باشيد»

خيلى خوب ☆ خوب ☆ قابل قبول ☆ نياز به تلاش بيشتر ☆